

رفیق مسعود شماعی



رفیق مسعود شماعی را بسیاری از زندانیان سیاسی زمان شاه، به عنوان یکی از زندانیان محکم و با روحیه به یاد دارند. مسعود اهل بروجرد بود. او در سال 1349 وارد دانشگاه تهران شد و در سال 51 به خاطر فعالیت سیاسی در دانشگاه، از دانشگاه اخراج گشته و به سربازی فرستاده شد. در تداوم فعالیت های سیاسی خود، مسعود در سال 1353 توسط ساواک جهنمی بازداشت شد و تا سال 57 که در زندان ها با انقلاب توده ای گشوده شد، در بند بود.

مسعود پس از آزادی از زندان، بلافاصله به سیلاب انقلاب پیوست، اما برای او نیز مثل هر انقلابی حقیقی، حرکت همه چیز نبود و هدف و جهت حرکت، معیار اساسی به حساب می آمد. از این رو مسعود از همان ابتدا نه مقهور دنباله روی ناآگانه مردم از خمینی گشت، و نه مجذوب آوازه یا سیاهی لشکر سازمان های سیاسی موجود. او در تحقیق و تأمل خود بر مواضع سازمان ها و گروه های سیاسی وقت، ذره ای قرار نداشت و مدام در حال کنکاش نظرات این و آن بود. او که تحصیلات ناتمام خود را این بار در دانشگاه تبریز (رشته برق) دنبال گرفته بود، در همان نیمه اول سال 58 با مطالعه جزوات درونی محافظی که بعد ها سازمان ما را پایه گذاری کردند، به مواضع " راه کارگر" گرایش یافت و به محض اعلام موجودیت " راه کارگر"، به صفوف آن پیوست.

ار آن پس، مسعود مبارزه انقلابی خود را به صورتی تشکیلاتی و با نهایت سخت کوشی و جدیت و به عنوان یک انقلابی حرفه ای دنبال کرد. رفیق مسعود (نام مستعار: عبدالله) با قابلیت هایی که داشت، در زمینه های متنوعی از کار تدارکاتی

مسئولیت هایی به عهده گرفته بود که آخرین آنها، مسئولیت چاپ افست نشریه ارگان مرکزی سازمان " راه کارگر" بود.

سحرگاه روز سی ام آذرماه 1360، پس از چاپ آخرین شماره دوره اول " راه کارگر" (که توزیع آن متوقف گشت) رفیق مسعود، پیش از اجرای قرار معهود با رفقاییش، در خیابان ستار خان تهران دستگیر شد و به زیر شکنجه رفت. تا هفتم شهریور 1362 که رژیم ادعا کرد مسعود شماعی در اثر سکتۀ قلبی درگذشته است، خبری از او نبود؛ اما اندکی بعد از ادعای دروغین آدم کشان، اخبار موثقی که از درون زندان رسید، حاکی از آن بودند که رفیق مسعود شماعی، پس از 20 ماه تحمل شکنجه های سخت و لب از لب نگشودن، سرانجام قهرمانانه در زیر شکنجه به شهادت رسیده است.

رفیق مسعود، پرچم طبقۀ کارگر را در مقابل نوکران و خادمان سرمایه بر زمین نینداخت و با خون خود ان را تازه تر و رنگین تر کرد. ما نیز پرچمی را که آغشته به خون پاک رفیق مسعود است، همواره در اهتزاز نگاه خواهیم داشت.